

## بحران قطر و ائتلاف موضوعی در سیاست خارجی ایران

در تازه‌ترین تحول مربوط به بحران قطر، حسن روحانی رییس‌جمهوری در یک تماس تلفنی با امیر قطر ضمن تبریک عید سعید فطر، قطع روابط سیاسی و محاصره قطر توسط چهار کشور عربی یعنی عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و مصر را غیرقابل قبول خواند و ضمن تاکید بر همکاری مستمر ایران با قطر، بر حل مشکلات منطقه از طریق گفت و گو و روش‌های مسالمت آمیز تاکید کرد. پیش از این محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه، هم در مناسبت‌های مختلف از زمان آغاز بحران قطر بر حل مسالمت‌آمیز این بحران تاکید کرد. بحران قطر این پرسش را در نزد تحلیلگران مسائل منطقه‌ای مطرح کرده که سیاست جمهوری اسلامی ایران نسبت به این بحران چگونه باید باشد.

در نگاه اولیه این یک فرصت بی نظیر است تا ایران در چارچوب یک ائتلاف ژئوپلیتیک، قطر را با تمام ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی آن به سوی خود کشانده و از این طریق ضمن شکاف در ائتلاف ضد ایرانی کنونی که سعودی‌ها در منطقه با هدف تضعیف نقش منطقه‌ای ایران به وجود آورده‌اند، معادله قوا در منطقه را به نفع خود تقویت کند. از این دیدگاه، سیاست فعلی سعودی‌ها در

ایجاد ائتلاف‌های عربی با کمک آمریکا به ضرر منافع و امنیت ملی ایران است. تلاش آنها در نزدیکی با دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا، در ماه‌های اخیر هم با هدف بازگرداندن آمریکا به منطقه به منظور انزوای سیاسی ایران صورت گرفته و بنابراین به هر نحوی باید از آن جلوگیری شود. اما از یک نگاه عمیق‌تر، این شاید همان فرصتی باشد که سعودی‌ها می‌خواهند. آنها (و اماراتی‌ها) اکنون سیاست محاصره قطر را بر دو محور متمرکز کرده‌اند: یکی حمایت قطر از تروریسم و دیگری همکاری با ایران. آنها با اتصال قطر به موضوع تروریسم القاعده، داعش و حتی اخوان المسلمین سعی کرده‌اند تا ضمن انحراف از ریشه‌های وهابی و سلفی رادیکالیسم در منطقه با افکار عمومی غرب و به خصوص آمریکا که شدیداً به مسئله تهدیدات تروریستی حساس هستند ارتباط برقرار کنند. ارتباط قطر با ایران هم بیشتر با هدف اتصال به افکار عمومی جهان سنی عرب صورت گرفته که به‌گونه‌ای تحت تاثیر تبلیغات شدید سعودی‌ها به نقش منطقه‌ای ایران به خصوص در بحران سوریه حساس شده است.

پنهان نیست که هدف اصلی سعودی‌ها باز کردن مجدد پای آمریکا به منطقه از طریق متعهد کردن این کشور به فروش تسلیحات به عربستان و در صورت امکان امضای قراردادهای تعهد متقابل نظامی برای تضمین امنیت سعودی‌ها است. صحبت از تشکیل ناتوی عربی در همین چارچوب است. پیش از این کشورهای اروپایی و آمریکا (در زمان اوباما) در قالب توافق هسته‌ای (برجام) نقش مهم منطقه‌ای ایران را پذیرفته بودند و همین امر سعودی‌ها را شدیداً نگران کرده بود که تداوم این جریان به ضرر منافع و امنیت رژیم سعودی و یک باخت آشکار در مواجهه با ایران در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک در منطقه است. بر این مبنا، سعودی‌ها با اتخاذ یک الگوی یکجانبه‌گرا و سیاه و سفید که «هر که با ما نیست علیه ماست» قطر را که سابقه سیاست‌های متفاوت منطقه‌ای و عدم مشارکت در ائتلاف ضد ایرانی دارد را به محاصره در آورده‌اند. با این وجود، پشت پرده این سیاست سعودی هدف گسترده‌تر تثبیت رهبری خود در منطقه و جهان عرب از طریق ضدیت با ایران است که اکنون با انتصاب محمد بن سلمان به عنوان ولیعهد عربستان ابعاد جدیدی می‌یابد.

اما منطق سیاست کنونی و تهاجمی سعودی‌ها در منطقه از ابعاد داخلی و بین‌المللی دچار

چالش جدی است. تاثیرات منفی کاهش قیمت نفت بر وضعیت خصوصی سازی اقتصادی و مدرن سازی اجتماعی، آن گونه که در چشم انداز ۲۰۳۰ سعودی آمده و همچنین بحث مشروعیت جانشینی و انتقال قدرت به شاهزاده جوان و جاه طلب سعودی خود شکاف‌های داخلی جدیدی در این کشور ایجاد کرده است. بمباران گسترده یمن به نتیجه مطلوب نرسیده و گروه‌های تروریستی مورد حمایت سعودی‌ها در بحران سوریه به تحلیل رفته و قابلیت تاثیرگذاری بر روند سیاسی این بحران را از دست داده‌اند. اکنون کشورهای اروپایی، روسیه و چین مخالف و نگران سیاست‌های یکجانبه‌گرا و جنگ‌طلبانه سعودی‌ها هستند. ترکیه نیز در بحران اخیر به‌طور آشکار طرف قطر را گرفته و انتقادات جدی به سعودی‌ها وارد کرده و از این کشور کاملاً دور شده است.

در این شرایط، بهترین سیاست برای ایران در بحران قطر تاکید بر نقش مستقل و بی طرف خود در حل مشکلات منطقه‌ای و تاکید بر ضرورت شکل‌گیری «ائتلاف‌های موضوعی» بجای «ائتلاف‌های ژئوپلتیک» است که خود می‌تواند منجر به بلوک بندی‌های جدید و به تبع تنش بیشتر در منطقه شود. تمرکز ائتلاف‌های موضوعی بر مشکلات عمومی منطقه مثل حل مسالمت‌آمیز بحران‌های منطقه‌ای، پرهیز از تحریم کشورها، مبارزه با تروریسم به عنوان یک اصل، بحران‌های زیست محیطی، امنیت انرژی و غیره با هدف اصلی ایجاد «ثبات» در منطقه است. برجام هم در قالب یک ائتلاف موضوعی شکل گرفت. تمرکز بر موضوعات همگانی و موضوعات سیاست خارجی، به دیپلماسی و عملکرد کشورمان ابعاد سازنده و گسترده منطقه‌ای و جهانی می‌دهد. این رویکرد، ضمن اینکه فضای سیاسی بهتری به قطر برای خروج از بحران جاری با ایفای یک نقش مثبت کمک رسانی در قالب وظیفه همسایگی می‌دهد، زمان را به ضرر سعودی‌ها به عقب انداخته و از این طریق منطق ائتلاف سازی گسترده ژئوپلتیک سعودی‌ها علیه کشورمان را به چالش می‌کشد.

